



به مناسبت ۲۵ ذیقعه؛ کربلا؛ پناهگاه برگزیده شیعیان در دحوالارض

امام حسین(ع) فرمودند: خداوند هنگام «دحو الارض» (کشیده شدن و گسترده شدن زمین) آن قبر را برای من برگزیده است و آن قبر را پناهگاه شیعیان و دوستان ما کرده است.

امام حسین(ع) فرمودند: خداوند هنگام دحو الارض؛ دحو الارض؛ (کشیده شدن و گسترده شدن زمین) آن قبر را برای من برگزیده است و آن قبر را پناهگاه شیعیان و دوستان ما کرده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: روز بیست و پنجم ذیقعه، هم زمان با دحوالارض است. دحو؛ دحو؛ معنای بسط و گسترش است بعضی نیز آن؛ را به معنای تکان دادن چیزی از محل اصلی؛ اش تفسیر کرده؛ اند.

منظور از دحوالارض (گسترده شدن زمین) این است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب؛ آب؛ های حاصل از باران؛ های سیلابی نخستین فراگرفته بود این آب؛ آب؛ ها، به تدریج در گودال؛ های زمین جای گرفتند و خشکی؛ ها از زیر آب سر برآوردند و روز بروز گسترده؛ تر شدند. از طرف دیگر، زمین در آغاز به صورت پستی؛ ها و بلندی؛ ها یا شیب؛ های تند و غیر قابل سکونت بود. بعدها باران؛ های سیلابی مداوم باریدند، ارتفاعات زمین را شستند و دره؛ ها گسترده شدند. اندک اندک زمین؛ های مسطح و قابل استفاده برای زندگی انسان و کشت و زرع به وجود آمد. مجموع این گسترده شدن، دحو الارض؛ نام؛ گذاری می؛ شود. (۱)

به گزارش برخی منابع کهن وقوع دحو الارض بنابر سال شمار شمسی، در مهرماه روی داده است. در مطابق برخی روایات در این روز اتفاقاتی در رابطه با برخی پیامبران بزرگ واقع شده است. این وقایع عبارتند از: نزول نخستین رحمت آسمانی بر آدم، نشستن کشتی نوح بر کوه جودی و تولد حضرت ابراهیم و تولد عیسی بن مریم در شب بیست و پنجم ذیقعه (۲)

اما چون باید حقیقت هر نکته و مطلبی را از قرآن و سنت که منتهی می شوند به حکمت مسألت نمود، ببینیم این موضوع مهم در عالم هستی، یعنی دحوالارض در لسان این دو گوهر ریسمان الهی چگونه بیان و تعریف شده اند.

دحوالارض در قرآن

در قرآن کریم به دحوالارض اشاره شده است. آن؛ جا که می؛ فرماید: و زمین را بعد از آن گسترش داد.؛ بیشتر مفسران، در ذیل این آیه، مسئله دحوالارض را مطرح کرده؛ اند. به گفته مفسرین، آیه شریفه وَاَلْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا؛ و زمین را بعد از آن با غلتانیدن گسترش داد. (نازعات: ۳۰) اشاره به دحوالارض دارد.

دحو الارض در اخبار مأثوره

گرچه این روز مهم در السنه روایی امامیه مورد توجه بوده و به آن پرداخته شده است لکن از میان آن همه اخبار رسیده از حضرات ائمه معومین علیهم السلام یک روایت و برخی دیگر که بدین مضمون اند توجه همگان را به نحوی دیگر جذب و جلب می نماید و آن روایت و نکته در بار روایت شریفه ذیل است:

در خبر مأثوره که در باب ماجرا و داستان گروهی از جنیان برای یاری امام حسین بن علی ، سید الاحرار(ع)، اینگونه آمده است که گروهی از جنیان به محضر حضرت اباعبدالله(ع) آمده و عرض کردند: ای مولای ما! ما از شیعیان و یاران تو هستیم، آنچه را بخواهی به ما فرمان بده اگر در همین جا باشی و به ما دستور نابودی همه دشمنانت را بدهی، ما قبل از اینکه از اینجا حرکت کنی، آن را اجرا می؛ کنیم.

امام حسین(ع) برای آنها دعای خیر کرد، و به آنها فرمود: آیا قرآن را که به جدم رسول خدا(ص) نازل شده نخوانده؛ اید که می؛ فرماید: قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ يَوْمِئِذٍ؛ مَضَاجِعَهُمْ [آل عمران/ ۱۵۴] اگر من در وطن خود بمانم این مردم و ازگون شده به وسیله چه کسی آزمایش می؛ گردند و چگونه

آنها امتحان می‌شوند و چه کسی در قبر من سکونت گزیند؟ با اینکه خداوند هنگام «دحو الارض» (کشیده شدن و گسترده‌گی زمین) آن قبر را برای من برگزیده است و آن قبر را و پناهگاه شیعیان و دوستان ما کرده است، خداوند اعمال و نمازهای آنها را بپذیرد و دعا‌های آنها را اجابت کند و شیعیان ما در آنجا ساکن شوند، تا آنجا مایه ایمنی آنها در دنیا و آخرت، از عذاب باشد. (۳)

آری ! خداوند منان به هر بهانه ای یاد و نام کشتی نجات و سعادت، چراغ علم و هدایت، باب امید و شفاعت حضرت امام الاولیاء حسین بن علی بن ابی طالب را که درود بی شمار بر حضرتش باد را گرامی و یادآور داشته تا عالم بدانند درخت دین و شریعت و علم و عقلانیت همه و همه به خون او آبیاری و احیا گشته است و هرکه از ثمره این درخت بهره مند است مرهون امام حسین بن علی است!

پی نوشت:

۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴؛ ۱۴۸، ص ۲۵۱، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق. / مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶؛ ۲۶۸، ص ۱۰۱، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش

۲- صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۳۶۸ش، ص ۷۹؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۹؛ قس طوسی، مصباح المتعجد، ۱۴۱۱ق، ص ۶۷۱ که ولادت ابراهیم را در اول ذیحجه دانسته است. / بیرونی، الآثار الباقیه، ۱۳۸۰ش، ص ۲۷۳.

۳- لهوف، سید بن طاووس، ۹۲